

# ضرورت و الزامات منطقه گرایی در تحقق برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

سیدجلال دهقانی فیروز آبادی<sup>۱</sup>

## چکیده:

هدف راهبردی ایران در بیست سال آینده دست یافتن به منزلت و موقعیت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه است. هدف این مقاله واکاوی یکی از رویکردها و راهبردهایی است که می تواند برای تأمین این هدف استراتژیک اتخاذ گردد. به بیانی دیگر، تلاش می شود به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که: مطلوبترین رویکرد و راهبرد سیاسی - امنیتی جهت تأمین برتری منطقه ای ایران کدام است و دارای چه ضرورت ها و الزاماتی می باشد؟ پاسخ موقت به عنوان فرضیه مورد بررسی بدین شرح است: منطقه گرایی به عنوان یکی از اشکال چند جانبه گرایی، رویکرد و راهبرد تحقق و تأمین برتری منطقه ای ایران می باشد هر چند دستیابی ایران به جایگاه برتر منطقه ای یک هدف استراتژیک داخلی است، ولی متضمن و در بردارنده پیامدهای ساختاری شگرفی در روابط و معادلات قدرت منطقه ای و حتی بین المللی می باشد.

## واژگان کلیدی:

منطقه گرایی، برتری منطقه ای، راهبرد، آسیای جنوب غربی

## مقدمه

یکی از اهداف مهم جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز بیست ساله، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی می باشد. از این رو هدف راهبردی ایران در بیست سال آینده دست یافتن به منزلت و موقعیت برتر در منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه است. منطقه ای که خود شامل چند منطقه جغرافیایی متداخل و حتی مستقل می باشد. طبعاً رسیدن به منزلت و مکانت برتر در منطقه ای به این وسعت و تنوع، مستلزم اتخاذ راهبردها، ساز و کارها و رویکردهای متناسب و مطلوبی است.

هدف این مقاله واکاوی یکی از رویکردها و راهبردهایی است که می تواند برای تأمین این هدف استراتژیک اتخاذ گردد. به بیانی دیگر، تلاش می شود به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که: مطلوبترین رویکرد و راهبرد سیاسی - امنیتی جهت تأمین برتری منطقه ای ایران کدام است و دارای چه ضرورت ها و الزاماتی می باشد؟ پاسخ موقت به عنوان فرضیه مورد بررسی بدین شرح است: منطقه گرایی به عنوان یکی از اشکال چند جانبه گرایی، رویکرد و راهبرد تحقق و تأمین برتری منطقه ای ایران میباشد.

به منظور آزمون و تبیین این فرضیه، مباحث در سه بخش ارائه می شود. در نخستین قسمت، معنا و مفهوم، اشکال و مزایای راهبرد منطقه گرایی تعریف و تبیین می گردد. دومین بخش به بحث و بررسی ضرورت های رویکرد منطقه گرایی می پردازد. بخش سوم به تجزیه و تحلیل الزامات منطقه گرایی اختصاص دارد. در نتیجه گیری نیز، گزاره های منطقی و مفهومی از مطالب مطروحه استنتاج می گردد. گزاره ها و فضایی که می تواند به سیاستگذاری و تصمیم گیری بهینه در زمینه پی گیری و تأمین برتری منطقه ای کمک کند.

## منطقه گرایی

### ۱ - معنا و مفهوم

منطقه گرایی به معنا و مفهوم متفاوتی در ادبیات روابط بین الملل به کار رفته است. سنتاً و اصالتاً ناظر به همکاری اقتصادی کشورهای موجود. در یک منطقه و ناحیه جغرافیایی مشخص و معین می باشد. از اینرو، معمولاً منطقه گرایی و همگرایی اقتصادی یکسان و مترادف تلقی و تعریف می شوند. همگرایی نیز به دو معنای مختلف به عنوان یک وضعیت متعین و فرآیندی که به چنین وضعیتی خواهد انجامید تعریف شده است. همگرایی

یا منطقه گرایی دارای مراتب و درجات متفاوتی از موافقت نامه آزاد تجاری تا یک موجودیت فوق ملی شبه فدرال می باشد. (۱)

اما مفهوم منطقه گرایی به معنای گسترده تر و فراگیرتری نیز بکار می رود. در مفهوم موسع، منطقه گرایی کلیه حوزه های موضوعی اعم از اقتصادی، سیاسی و امنیتی - دفاعی را در بر می گیرد. براین اساس، منطقه گرایی یک مفهوم عامی است که شامل همه اشکال و انواع همکاری بین مناطق، اعم از کشورها، بازیگران فروملی یا موجودیت های گسترده تر جغرافیایی مانند نهادهای فرا و فوق ملی میشود. (۲) بعضی دیگر منطقه گرایی را به صورت برساخته شدن اجتماعی یا شکل گیری مناطق بین و در میان کشور - ملت ها جهت دستیابی به منافع مشخص و همچنین ناشی از عضویت در آنها تعریف کرده اند. این منافع و اهداف ممکن است اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دفاعی - امنیتی باشند. از اینرو، همکاری منطقه ای درکانون مفهوم منطقه گرایی قرار دارد که در اشکال مختلفی تجلی و تحقق می یابد. این همکاری نیز بر پایه تهدید یا تعهد مشترک نسبت به منافع و اهداف خاصی صورت می گیرد.

## ۲ - انواع و ابعاد

منطقه گرایی به عنوان یکی از وجوه و تجلیات چند جانبه گرایی در سطح یک منطقه جغرافیایی دارای ابعاد و وجوه مختلفی است که در قالب اشکال و انواع گوناگونی تحقق می یابد. باتوجه به حوزه موضوعی و کارکردی که همکاری منطقه ای در آن صورت می گیرد، چهار نوع منطقه گرایی اقتصادی - تجاری، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و امنیتی - دفاعی امکان پذیر میباشد. هریک از انواع مختلف منطقه گرایی ممکن است دارای اهدافی فراتر از موضوع خاص خود باشد. برای نمونه، همانگونه که توضیح داده خواهد شد، همکاری و منطقه گرایی اقتصادی - تجاری امکان دارد اهداف و منافع سیاسی - امنیتی داشته باشد. حتی ممکن است تلازم و تراتب منطقی بین انواع مختلف منطقه گرایی وجود داشته باشد. به گونه ای که آنان مراحل یک فرآیند به هم مرتبط باشند که تحقق یکی زمینه ساز و پیش شرط انواع و مراحل دیگر باشد.

## الف - اقتصادی - تجاری

رایج ترین نوع منطقه گرایی در روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم، همگرایی اقتصادی منطقه ای بوده است، شکل گیری و تکامل همگرایی اقتصادی در اروپا که با موفقیت چشمگیری همراه بود، منطقه گرایی را به عنوان یک راهبرد و استراتژی توسعه اقتصادی مطرح ساخت. از این به بعد کشورها و مناطق دیگری چون امریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی در این مسیر گام نهادند. به طوری که آ.س. آن به صورت یکی از مهمترین و موفق ترین نمونه های منطقه گرایی در جهان در حال توسعه درآمده سازمان اکو فیزیکی از مصادیق منطقه گرایی اقتصادی در منطقه پیرامونی ایران می باشد.

اهداف منطقه گرایی و همگرایی اقتصادی متعدد و متفاوت بوده و صرفاً اقتصادی نیست. از اینرو، کشورها ممکن است، علاوه بر اهداف اقتصادی، درصدد تأمین اهداف سیاسی و امنیتی باشند. مهمترین اهداف اقتصادی کشورها از منطقه گرایی اقتصادی عبارتند از: ۱- استفاده از اقتصاد مقیاس جهت افزایش توان اقتصادی خود ۲- ارتقاء نقش و جایگاه و سطح بازیگری اقتصادی در نظام اقتصاد بین الملل ۳- مدیریت گام بگام اقتصاد ملی جهت تکامل با اقتصاد جهانی و جهانی شدن.

از اینرو، هدف اولیه منطقه گرایی اقتصادی، دستیابی به منافع مشترک اقتصادی از طریق همکاری و هماهنگی سیاست ها و راهبردهای ملی و سرانجام ادغام اقتصادهای ملی می باشد.

منطقه گرایی اقتصادی به چند طریق به تأمین اهداف سیاسی کشورهای همگرا کمک می کند. اولاً، مبادلات و مراودات اقتصادی زمینه درک و فهم و تفاهم بیشتر کشورها را فراهم می سازد. ثانیاً، و به تبع آن، همکاری اقتصادی باعث اعتماد سازی بیشتر بین کشورهای عضو در منطقه گرایی می شود. ثالثاً، براساس منطق تسری همگرایی اقتصادی نهایتاً ممکن است به همگرایی و وحدت سیاسی بیانجامد.

براین اساس، منطقه گرایی اقتصادی متضمن اهداف و آماج امنیتی در چارچوب تأمین صلح و امنیت منطقه ای می باشد. همگرایی اقتصادی به چند طریق صلح، ثبات و امنیت کشورهای حاضر در این فرآیند را تأمین می کند. اول، منطقه گرایی مبتنی بر تجارت و اقتصاد آزاد، توسعه، ثروت و رفاه بیشتری را برای اعضاء به بار می آورد. از آنجا که بسیاری از منازعات برای کسب ثروت و قدرت اقتصادی در می گیرد، با ثروتمند و مرفه شدن کشورها، انگیزه و وسوسه کمتری برای جنگ و مناقشه وجود خواهد داشت. به عبارت

دیگر، کشورهای مرفه و ثروتمند از وضع و نظم اقتصادی - سیاسی موجود راضی بوده و جهت حفظ آن تلاش می‌کنند که خود عامل صلح و ثبات می‌باشد.

دوم، همگرایی اقتصادی و تجارت آزاد، وابستگی اقتصادی بین کشورها را افزایش می‌دهد که خود صلح طلبی و امنیت را ایجاد می‌کند. زیرا، اولاً در شرایط وابستگی متقابل در اثر افزایش هزینه جنگ و امکان تلافی متقابل، انگیزه تجاوزگری و جنگ کاهش می‌یابد. از اینرو، جنگ متضمن و مستلزم صرف هزینه بسیار زیادی می‌باشد. ثانیاً، به تبع افزایش هزینه جنگ، مردم کشورها گرایش و تمایل کمتری برای تحمل آن دارند. برآیند این عوامل، کاهش مطلوبیت زور، و جنگ در عرصه بین‌المللی خواهد بود.

سوم، همانگونه که ذکر شد، مراودات و مبادلات تجاری و اقتصادی تفاهم و درک متقابل و مشترک را ایجاد می‌کند. از آنجا که بسیاری از منازعات حاصل سوء تفاهمات و بدبینی‌های قوم‌مدارانه است، تفاهم ملت‌ها و کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در صلح و ثبات منطقه‌ای ایفا می‌کند.

### ب - فرهنگی - ارزشی

یکی دیگر از اشکال و ابعاد منطقه‌گرایی در چارچوب همگرایی فرهنگی - ارزشی تجلی می‌یابد. منطقه‌گرایی فرهنگی با همگرایی فرهنگی منطقه‌ای را می‌توان فرآیند تکوین، توزیع، تقویت و تثبیت فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی مشترک در سطح منطقه از طریق سازگاری ارزشی و فرهنگی از راه افزایش مبادلات و تعاملات فرهنگی - اجتماعی بین کشورها به منظور شکل‌گیری یک هویت مشترک فرهنگی تعریف کرده همگرایی فرهنگی متضمن و مستلزم اجماع ارزشی، و شکلی و ماهوی کشورها در نظام فرهنگی منطقه‌ای می‌باشد.

دو دسته از اهداف فرهنگی و غیر فرهنگی برای همگرایی یا منطقه‌گرایی فرهنگی قابل شناسایی و تصور است. اهداف فرهنگی این نوع منطقه‌گرایی ناظر بر ارزش‌ها، هنجارها، انگاره‌ها، نمادها و نظام معنایی و باورهای مشترک بین کشورهای شرکت‌کننده در این فرآیند می‌باشد. از جمله مهمترین این اهداف عبارتند از: ۱- تقویت، تحکیم، تثبیت و توزیع فراگیر ارزش‌های فرهنگی مشترک منطقه‌ای ۲- درک و فهم متقابل و تفاهم درون منطقه‌ای ۳- تکوین، تاسیس، تکامل و تقویت نهادهای فرهنگی - اجتماعی در سطح منطقه ۴- تکوین، تقویت و تثبیت هویت جمعی مشترک ۵- مقابله با تهدیدات فرهنگی - هویتی

از طریق موازنه سازی هویتی منطقه ای

اما، همگرایی منطقه ای تامین کننده اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی نیز می باشد. به گونه ای که تقریباً نوعی اجماع معرفتی و نظری در بین نظریه پردازان همگرایی منطقه ای و منطقه گرایی مبنی بر لزوم و ضرورت فرهنگ و ارزش های مشترک به عنوان پیش شرط انواع دیگر همگرایی شکل گرفته است. ۶- تسهیل مبادلات و همگرایی اقتصادی، سیاسی و امنیتی، ایجاد اجماع شکلی و ماهوی در درون نظام منطقه ای با کمک به شکل گیری و استقرار در نظم امنیتی منطقه ای و الگوهای تعامل غیرسیرش و همکاری جویانه را می توان بعضی از اهداف و کارکرد منطقه گرایی فرهنگی به شمار آورده به ویژه، تکوین و تثبیت هویت منطقه ای مشترک مثبتی بر فرهنگ مسالمت جویی و همکاری طلبی نقش تعیین کننده ای در نظم امنیتی منطقه ای در چارچوب جامعه امنیتی تکثرگرا ایفا می نماید (۷)

### ج - سیاسی

همگرایی سیاسی یکی دیگر از وجوه و ابعاد منطقه گرایی می باشد. این نوع از منطقه گرایی معطوف به فرآیند یا وضعیت همکاری و هماهنگی سیاسی بین کشورهای یک منطقه است که می تواند به تغییر نظم سیاسی موجود در جهت شکل گیری اتحاد و جامعه سیاسی فوق ملی منجر گردد. رویکردها و دیدگاههای مختلفی در مورد همگرایی سیاسی منطقه ای وجود دارد.

فدرالیتها تأسیس یک دولت فدرال بر پایه یک قانون اساسی واحد در اثر تفویض حاکمیت دولت - ملتها به آن رایک وضعیت همگرایی منطقه ای می دانند. به نظر نوکارکردگرایان همگرایی سیاسی فرآیند تغییر و تحول سیاسی است که از طریق آن دولت ها و حکومت های ملی داوطلبانه بخشی از حاکمیت و قدرت خود را به یک اقتدار مرکزی جدید تفویض می کنند که توانایی اتخاذ و اجرای تصمیمات و حل و فصل مسالمت آمیز منازعات بین کشوری را دارد.

براین اساس، ارنست هاس، همگرایی سیاسی را این گونه تعریف می کند: ((فرآیندی که از طریق آن بازیگران سیاسی در چندین کشور مختلف ترغیب می شوند که وفاداری ها، انتظارات و فعالیت های سیاسی خود را به سمت یک مرکز جدید سوق دهند که نهادهایش دارای اقتدار و اختیارات قانونی یا متقاضی آنها از دولت های ملی می باشد)) (۹) از

نظرنئون لیند برگ نیز همگرایی سیاسی عبارت است از ((فرآیندی که از طریق آن کشورها از هدایت سیاست خارجی و سیاست های کلیدی داخلی به صورت مستقل از یکدیگر صرف نظر می کنند)) بجای آن تلاش می کنند تا تصمیمات مشترک بگیرند یا فرآیند تصمیم گیری مشترک را به یک سازمان جدیدی واگذار نمایند)) فراگردی است که بوسیله آن بازیگران سیاسی در چندین کشور متمایز تشویق می شوند تا انتظارات و فعالیت های سیاسی خود را به سوی یک مرکز جدید سوق دهند. (۱۰)

بنابراین، هدف نهایی یا سرانجام فرآیند همگرایی سیاسی تشکیل یک جامعه سیاسی فوق ملی است که ما فوق جوامع سیاسی ملی می باشد. از اینرو کانون و هسته همگرایی سیاسی تاسیس و ایجاد ساز و کارهای تصمیم گیری مشترک مانند نهادهای سیاسی فوق ملی است که دولت ها و حکومت ها قدرت تصمیم گیری را به آن واگذار می کنند. از این منظر، اجتماع یا همگرایی سیاسی زمانی وجود دارد که ترتیبات تصمیم گیری مشترک بین کشورهای منطقه وجود داشته باشد. نهایتاً ممکن است همگرایی سیاسی به شکل گیری یک ابر کشور فوق ملی متشکل از دولت - ملت ها در سطح منطقه بیانجامد.

بعضی دیگر از نظریه پردازان همگرایی سیاسی را به عنوان یک وضعیت تلقی می کنند که در فرآیند وحدت سیاسی تحقق می یابد. برای نمونه امتیای اتزیونی براین باور است که یک جامعه سیاسی همگرا یک وضعیتی است که در آن یک مرکز تصمیم گیری وجود دارد که به تخصیص اقتدار آمیز یا امرانه منابع و پاداش ها می پردازد. کانون و فاداری و هویت سیاسی شهروندان جامعه سیاسی نیز این مرکز سیاسی می باشد. یکی از مهمترین ویژگی های جامعه سیاسی نیز کنترل مؤثر و مقتدر بر روی وسایل و ابزارهای اعمال خشونت است. (۱۱)

بهرحال، علیرغم اختلاف نظرهایی که در مورد ماهیت و نهایت همگرایی سیاسی وجود دارد، می توان ادعا کرد که همه آنها در مورد چند اصل و فرض در زمینه سرشت سیاست و روابط منطقه ای مشترکند. اول، همگرایی سیاسی با منطقه گرایی سیاسی معطوف به تغییر رویه تصمیم گیری سیاسی از یک جانبه به چند جانبه می باشد. دوم، تصمیم گیری سیاسی مشترک متضمن و مستلزم همکاری و اقدام مشترک کشورهای منطقه ای می باشد. سوم، تعاملات، مبادلات و ارتباطات درون منطقه ای نیز یکی دیگر از وجوه و ویژگی های منطقه گرایی سیاسی است. چهارم، وجود ابزارها و ساز و کارهای منطقه ای برای حل و فصل مسالمت آمیز مناقشات و منازعات و مدیریت مسائل و موضوعات منطقه ای نیز از ملزومات

همگرایی و منطقه گرایی سیاسی می باشد. پنجم، احساس تعلق به یک منطقه با مسائل و منافع مشترک و انتقال حداقلی از وفاداری ها و انتظارات از سطح ملی به سطح منطقه ای نیز از دیگر ویژگیهای همگرایی سیاسی به شمار می رود.

#### د = امنیتی

همگرایی و همکاری امنیتی - دفاعی بالاترین و مهمترین شکل و بعد منطقه گرایی می باشد. به گونه ای که منطقه گرایی درحوزه اقتصادی و سیاسی نهایتاً ممکن است به همگرایی امنیتی - دفاعی منجر گردد. منطقه گرایی امنیتی نیز به صورت مختلفی تعریف و تبیین می شود. ستاً، رایج ترین و مهمترین شکل همکاری امنیتی در سطح منطقه ای، اتحادها و پیمان های نظامی - امنیتی می باشد. سدر منطقه پیرامونی ایران، پیمان ستقویکی از نمادها و نموده های همکاری امنیتی - دفاعی بوده است. اتحادهای نظامی حاصل منافع مشترک کشورهای عضو مبنی بر تأمین امنیت جمعی در برابر تهدیدات مشترک هستند. کشورهای عضو از آن جهت که از توان و قدرت یکی جانبه کافی و لازم برای رویارویی با تهدیدات و ناامنی برخوردار نیستند، به توازن سازی برون گرا در قالب پیمان و اتحاد نظامی دست می زنند. از اینرو، اتحادهای نظامی معلول چگونگی توزیع قدرت در سطح بین المللی و منطقه ای و سیاست های قدرت های بزرگ می باشند. اما همکاری، همگرایی و منطقه گرایی امنیتی - دفاعی نه تنها به اتحادها و پیمان های نظامی محدود نمی شود. بلکه اشکال و انواع دیگری از همکاری و منطقه گرایی امنیتی ممکن و متصور است. رفتار همکاری جویانه کشورها درحوزه های امنیتی در ترتیبات و ساختارهای دیگری غیر از پیمان و اتحادها نیز تعیین و تجلی می یابد. چون رویه ها و ترتیبات امنیتی در گذر زمان دچار تغییر و تحول می شوند و شبکه ها و ساختارهای جدیدی نیز ابداع می گردند. به طوری که امروزه رویه ها و ترتیبات امنیتی بیش از آنکه مبتنی بر تهدید مشترک باشند بر پایه تعهد مشترک به مدیریت مشترک و هماهنگ مسائل و موضوعات امنیتی منطقه ای استوارند.

در نتیجه، مفهوم پردازی ها و مدل سازی های نوینی فراتر از اتحادها و پیمان های نظامی پردازش و ارائه شده اند. مجموعه های امنیتی منطقه ای، مشارکت امنیتی منطقه ای و جامعه امنیتی تکرر و گرا اشکال و انواع دیگری از منطقه گرایی امنیتی به شمار می روند. بری بوزان، در چارچوب رهیافت مجموعه امنیتی، مفهوم مجموعه های امنیتی منطقه ای را ارائه داده مهمترین هدف و کارکرد نظری این مفهوم، توضیح و تبیین روابط و مناسبات



منازعه و مناقشه در سطح منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای بیشتر تعیین‌کننده وضعیت دوستی و دشمنی در مناطق می‌باشد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از کشورها که برداشت‌ها و نگرانی‌های اولیه و عمده امنیتی‌شان به طور تنگاتنگ و کافی به هم پیوسته و در هم تنیده است که امنیت ملی و مسائل امنیتی آنها عملاً و منطقی‌نمی‌تواند جدای از همدیگر مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. (۱۲) بنابراین، مجموعه امنیتی متضمن سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی است به گونه‌ای که عنصر کانونی یک مجموعه امنیتی روابط و مناسبات امنیتی در آن و وابستگی متقابل امنیتی اعضای آن می‌باشد.

در چارچوب و سطح مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، اشکال مختلفی از مدیریت مشترک مناقشه چندجانبه به عنوان نظم امنیتی منطقه‌ای استقرار می‌یابد. دفاع دسته‌جمعی بر پایه اوراک و برداشت مشترک از تهدیدات امنیتی کشورهای منطقه‌ای رایج‌ترین نظم امنیتی چندجانبه است. دومین نظم امنیتی چندجانبه در سطح منطقه‌ای، امنیت دسته‌جمعی می‌باشد این نظم امنیتی بر سه اصل یا هنجار تقبیح بکارگیری زور، پیوستگی امنیتی و اعتماد متقابل کشورها تعریف و تحقق می‌یابد. کنسرت که متضمن مدیریت نظام منطقه‌ای توسط قدرتهای بزرگ منطقه‌ای می‌باشد. سومین نظم چندجانبه گرا محسوب می‌گردد. جامعه امنیتی تک‌گرا و همگرا دو نوع نظم چندجانبه دیگر هستند که ممکن است در سطح مجموعه‌ای امنیتی منطقه‌ای استقرار یابند. (۱۳)

رهیافت مجموعه امنیتی منطقه‌ای اگر چه روابط منازعه در سطح منطقه‌ای را به خوبی توضیح می‌دهد اما از قدرت تبیین لازم و کافی الگوهای همکاری امنیتی در آن برخوردار نیست. از اینرو مفهوم و مدل تحلیلی دیگری تحت عنوان مشارکت امنیتی منطقه‌ای ارائه گردید.

مشارکت امنیتی منطقه‌ای یک نظم و ترتیب امنیتی منطقه‌بین‌المللی اصلی است که از اجماع و توافق کشورها برای همکاری در رویارویی با تهدیدات امنیتی و ارتقاء صلح و ثبات در منطقه از طریق بکارگیری انواع مختلف توافقات، ابزارها و سازوکارهایی مانند پیمان‌های امنیتی رسمی، سازمان‌های بین‌المللی، موافقت‌نامه‌های اقدام مشترک، تجارت و یا موافقت‌نامه‌های اقتصادی، فرآیندهای گفت‌وگو چندجانبه، پیمانهای صلح و ثبات مانند اقدامات اعتمادساز، روشها و رویه‌های دیپلماسی پیشگیرانه و شیوه‌هایی که به محیط داخلی مربوط می‌شوند، نشأت می‌گیرد. (۱۴)

کشورهای منطقه ای و در بعضی موارد قدرت های فرا منطقه ای، یک مشارکت امنیتی منطقه ای را ترتیب و تشکیل می دهند که مبتنی بر چندین موافقت نامه اساسی و توافقنامه اجرایی و عملیاتی مربوطه است. در این موافقت نامه های اساسی کشورهای شریک، اصول اساسی همکاری امنیتی را اعلام می دارند. اصولی چون: روابط صلح آمیز، تعهد به اجتناب از رویارویی ها و جنگ قدرت، منابع و علل مناقشه و بی ثباتی، در منطقه و مقرر داشتن بکارگیری همکاری برای مدیریت مشترک مسائل و اشکالات امنیتی منطقه ای در موافقت نامه های اساسی، کشورهای منطقه ای هم چنین توافق می کنند که ساز و کارهای مورد نیاز برای اجرای همکاری و تحت کنترل داشتن مشکلات امنیتی مشترک را ایجاد نمایند (۱۵)

کشورهای عضو مشارکت امنیتی منطقه ای هم چنین موافقت نامه های اجرایی برای ایجاد و تاسیس مراکز و ساختارهای چند جانبه و سازمان های بین المللی جدید جهت برخورد با تهدیدات ادراکی را امضاء می کنند. علاوه بر مراکز و ساختارهای موجود، نهادها و سازمان های جدید و وظیفه هشدار در مورد تهدیدات امنیتی، و اجرای اقدامات و سیاست های دسته جمعی را صورت می دهند. در این شرایط میزانی از غیر ملی کردن امنیت و در دراز مدت، همچنین تکوین و تاسیس یک جامعه امنیتی می تواند حاصل مشارکت امنیتی منطقه ای باشد.

کشورهای منطقه ای، علاوه بر این، ابزارها و سازو کارهای مدیریت مشترک امنیت منطقه ای را ایجاد می کنند. ابزارها و سازو کارهایی که مهم و ناشی از اصول امنیت همکاری جوینانه و فراگیر و جامع می باشد. امنیت همکاری جوینانه مبنی بر مبادله اطلاعات، گفت و گو، هماهنگی و استفاده از منابع مشترک است. امنیت جامع به معنای برخورد با موضوعات مختلف امنیتی داخلی و بین المللی و استفاده از منابع مختلف شامل منابع اقتصادی، نظامی، تکنیکی و فرهنگی می باشد. بطور خلاصه، ترتیبات امنیتی منطقه ای یک نظم مدیریت مشترک بوده و همه کشورها به عنوان شرکاء در شبکه ای از نهادها و رویه های امنیتی مشارکت و مساهمت دارند (۱۶)

همانگونه که گفته شد، مشارکت امنیتی منطقه ای ممکن است به شکل گیری جامعه امنیتی تکثرگرا بیانجامد. جامعه امنیتی تکثرگرا، یک گروه از کشورهای مجاور و مرتبط است که بوسیله حجم بالایی از مبادلات و جریان ارتباطات و ادراک و تصور یک اجتماع بودن به هم پیوسته و متصلند. این تلقی ما بودگی و احساس مابودن برای تکوین و تأسیس

نهادهای حل و فصل مسالمت آمیز منازعه به عنوان یک ویژگی خاص جامعه امنیتی تکزگرا، ضرورت دارد. کارل رویج، تشکیل و تکوین جوامع امنیتی تکزگرا را مستلزم سه شرط می باشد: ۱- سازگاری ارزش های تصمیم گیران ۲- پیش بینی پذیری متقابل رفتار تصمیم گیران و احدهای معطوف به همگرایی ۳- و پاسخگویی متقابل دولت ها بدون توسل به خشونت درک پیام های سایر کشورهاست. دریک جامعه امنیتی تکزگرا، کشورها از بکارگیری زور، قوه قهریه و جنگ برای مدیریت مناقشه وحل و فصل منازعات اجتناب می ورزند. (۱۷)

### ۳ - سطوح و درجات

درچارچوب منطقه گرایی یا منطقه ای شدن سطوح مختلفی از همگرایی تحقق می یابد. به سخن دیگر منطقه گرایی یا همگرایی منطقه ای دارای سطوح و مراتب گوناگونی است. به گونه ای که بعضی از مناطق در مراحل اولیه و ابتدایی منطقه گرایی و منطقه ای شدن قرار دارند. درحالی که برخی دیگر از مناطق در حال تبدیل شدن به یک بازیگرم متحد و واحد سیاسی درسطح بین المللی میباشند. از اینرو، سطوح مختلف منطقه گرایی می توانند با یکدیگر همزیستی داشته و به عنوان مراحل و مراتب فرآیند تاریخی و تکاملی منطقه گرایی تلقی گردند.

منطقه گرایی تا حدی ناشی از چگونگی تعریف منطقه و منطقه بودگی است. چون منطقه تعاریف متفاوت و متعددی دارد. در رایج ترین تعریف، منطقه به مجموعه ای از کشورها اشاره دارد که با جغرافیا و یک ویژگی مشترک پایبندتر مانند سطح توسعه، فرهنگ یا نهادهای سیاسی با هم در پیوندند. بعضی دیگر مناطق را به صورت گروهی از کشورها تعریف می کنند که از نظر سیاسی وابستگی متقابل دارند یا این گونه تصور می کنند.

درحقیقت مناطق براساس شبکه ها یا ساختار های اجتماعی مبادلات و ارتباطات تعریف می گردند. شبکه های اجتماعی و ارتباطی در تکوین و شکل گیری اجتماعی مناطق نقش قوام بخش ایفا می کنند. از اینرو، مناطق الگوهای روابط و تعاملات در درون یک ناحیه جغرافیایی هستند که از درجه ای از نظم و ترتیب و انسجام برخوردارند، به طوری که تغییر دریک کشور بر سایر کشورهای دیگر تأثیر می گذارند. سومین تعریف، مناطق رابه مشابه موجودیت ها وسازه های اجتماعی تلقی می کنند. مناطق به صورت نقشه های شناختی و هویت های جمعی تعریف می شوند. منطقه ساخته و پرداخته خود

کشورهاست چون آنان براین باور و تصورند که دریک منطقه مشترک همزیستی داشته و دارای آینده مشترکی هستند(۱۸)

بنابراین، شش نوع همکاری منطقه ای یا منطقه ای شدن قابل تصور و تعریف می باشد(۱۹)

در مفهوم نخست، منطقه گرایی برحسب قرابت و نزدیکی جغرافیایی تعریف می گردد. بطوری که تنها وجه مشترکی که کشورهای منطقه را به هم متصل و مرتبط می سازد جغرافیا یا بوم شناسی است. دوم همگرایی منطقه ای در سطح شناختی و هویتی شکل می گیرد. به گونه ای که مردم بطور عام یا نخبگان از احساس تعلق به یکدیگر و منطقه برخوردارند یا از چندین منفعت مشترک، سهم هستند.

در مورد مفهوم سوم، منطقه گرایی درچارچوب یک نظام اجتماعی متعامل تعیین می یابد. دراین سطح روابط، ارتباطات و مبادلات ملموس و عینی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین کشورهای متعامل وجود دارد که آنان را به صورت یک نظام یا مجموعه منطقه ای درمی آورد. در سومین سطح، منطقه گرایی در قالب تشکیل نهادها و سازمان های منطقه ای تجلی می یابد. از اینرو، دراین منطقه نهادمند و سازمان یافته، کشورهای عضو در مورد همکاری و چگونگی اجرای آن توافق و موافقت نامه دارند. هم چنین، نشست ها منظم بین کشورها مشارکت کننده برگزار می شود که در آن مسائل و مشکلات مشترک بحث و بررسی شده و سیاست ها هماهنگ تر می گردد.

همگرایی منطقه ای ممکن است بر مبنای وجود یک جامعه مدنی منطقه ای شکل بگیرد. دراین سطح از منطقه گرایی، مردم منطقه احساس واقعی تعلق به یکدیگر داشته و شرکای منطقه ای نیز سرشت و ماهیت همسان و یکسانی دارند. جامعه مدنی منطقه ای زمانی پدید می آید که همکاری سازمان یافته درچارچوب سازمان های منطقه ای ارتباطات اجتماعی را افزایش داده، ارزش های مشترک را تقویت نماید و نهایتاً هویت منطقه ای را تعریف و تحکیم کند. هویت منطقه ای نیز متضمن احساس نوعی منطقه بودگی و سرنوشت و هویت مشترک بین کشورها و مردمان یک منطقه است. لذا، فرآیند منطقه گرایی مستلزم گذر از وضعیت تمایزات و تفاوت های سلبی به سوی تجانس و قرابت فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و امنیتی در سطح منطقه می باشد.

سرانجام، منطقه گرایی به حسب تبدیل مناطق به سوژه های سیاسی در سطح بین الملل تعریف و تعیین گردد. به گونه ای که دراین فرآیند منطقه واجد یک دستگاه و ساختار

نهادی می شود که از قدرت و توانایی اتخاذ تصمیمات اقتدار آمیز و آمرانه برخوردار است. در این سطح از منطقه گرایی، منطقه دارای ویژگی های شبیه دولت - ملت می باشد. اگرچه مناطق نامتجانس به ندرت می توانند به صورت یک ابرکشور در آیند. این شکل از همگرایی منطقه ای یا منطقه گرایی متضمن و مستلزم شکل گیری حاکمیت فوق ملی، حکمرانی چند سطحی و چند جانبه مبتنی بر قانون و ناشی از انگیزه های سیاسی و نقش آفرینی فزاینده سیاسی بر مبنای قدرت بازار مشترک اقتصادی می باشد. تنها نمونه عینی و عملی این سطح از منطقه گرایی در چارچوب اتحادیه اروپا تحقق یافته است. (۲۰)

آسیای جنوب غربی آن گونه که در چشم انداز بیست ساله تعریف شده است، در اولین سطح و مرحله منطقه گرایی یا منطقه ای شدن قرار دارد. به گونه ای که تنها عامل و عنصر مشترک پیوند دهنده کشورهای این منطقه پهناور گسترده، نزدیکی و مجاورت جغرافیایی و بوم شناسی می باشد. البته اگرچه ایران به علت واقع شدن در مرکزیت این ناحیه جغرافیایی، به نوعی از عنصر مجاورت و قرابت جغرافیایی در مورد آن صدق می کند، اما حتی این عامل در مورد بسیاری از کشورهای دیگر صادق نیست. بطوری که تعریف این تقسیم جغرافیایی وسیع در چارچوب تقسیم زیر سیستم های منطقه ای به مرکز و پیرامون نیز غیر ممکن به نظر میرسد. چون به آسانی نمی توان کشورهای هسته و کانونی این منطقه را تعیین نمود که وجه مشترکی غیر از مجاورت جغرافیایی داشته باشند.

بنابراین، ناحیه جغرافیایی آسیای جنوب غربی را باید به زیر سیستم های منطقه ای فرعی تقسیم کرد که اجرا و اعمال راهبرد منطقه گرایی را امکانپذیر سازد. آسیای جنوب غربی را می توان به دو نظام فرعی آسیای شمال غربی و حوزه خلیج فارس تقسیم کرد. سازمان همکاری اقتصادی اگو در کانون آسیای شمال غربی و شورای همکاری خلیج فارس بامشارکت باعضویت ایران و عراق هسته نظام فرعی خلیج فارس را تشکیل می دهند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت و مرکزیت جغرافیایی، می تواند و باید نقش حلقه وصل این دو زیر سیستم منطقه ای فرعی را ایفا نماید. چون وسعت سرزمینی منطقه پهناور آسیای جنوب غربی، تکوین و شکل گیری سطوح و مراتب بالای منطقه گرایی و منطقه ای شدن را به طور همزمان و تو امان را بسیار مشکل می سازد. لذا همانگونه که فرآیند عام منطقه گرایی به عنوان مرحله ای مقدماتی برای جهانی شدن تلقی می شود، همگرایی فرو منطقه ای در درون آسیای جنوب غربی نیز جهت دستیابی به همگرایی در آن سطح ضروری است.

## ضرورت راهبرد منطقه گرایی

راهبرد منطقه گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متضمن و مستلزم تلاش برای تحقق کلیه سطوح و اشکال همگرایی و همکاری در ابعاد فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و امنیتی در گستره منطقه آسیای جنوب غربی می باشد. گفت و گوی درون منطقه ای برای شناخت، تقویت و توزیع ارزش ها و هنجارهای مشترک و ایجاد یک نظم فرهنگی - اجتماعی متناسب با همگرایی اقتصادی - سیاسی و همکاری های امنیتی یکی از وجوه منطقه گرایی است. ارتقاء مبادلات، ارتباطات و اطلاعات درون منطقه ای به منظور تکوین و تثبیت احساس منطقه بودگی و هویت منطقه ای و شکل گیری یک نظام منطقه ای متعامل وجه دیگر راهبرد منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران می باشد. زمینه سازی برای ایجاد ساختارها، ساز و کارهای و ابزارهای سیاسی جهت تصمیم گیری و اقدام مشترک منطقه ای نیز ضرورت می یابد.

تلاش برای ایجاد ترتیبات و ساختارهای امنیتی چند جانبه منطقه ای به صورت رسمی یا غیر رسمی جهت مدیریت مشترک و دسته جمعی امور امنیتی و حل و فصل مسالمت آمیز منطقه ای یکی دیگر از ابعاد راهبرد منطقه گرایی می باشد. همانگونه که توضیح داده شد، مدیریت جمعی و مشترک لزوماً به معنای امنیت دسته جمعی و دفاع مشترک نیست، بلکه می تواند به صورت رژیم های امنیتی و نظم امنیتی چند جانبه همانند کنسرت منطقه ای و مشارکت امنیتی منطقه ای نیز شکل بگیرد. البته این امر مستلزم نظم سیاسی همگرا و الگوهای تعامل سیاسی از طریق تکوین و تأسیس ترتیبات، نهادها و سازوکارهای سیاسی منطقه ای برای هماهنگ سازی سیاست ها و رایزنی در امور منطقه ای می باشد.

اما همانگونه که تجربه همگرایی و منطقه گرایی در عمل نشان می دهد، مهمترین بعد راهبرد منطقه گرایی در چارچوب همکاری و همگرایی اقتصادی - کارکردی تعیین و تحقق می یابد.

باتوجه به فرآیند جهانی شدن و تقسیم کار اقتصادی در نظام بین الملل و محدودیت های سیاست ها و اقدامات یک جانبه در این حوزه، جمهوری اسلامی ایران باید از طریق فرآیند منطقه گرایی اقتصادی، زمینه را برای شکل گیری یک بلوک اقتصادی منطقه ای را فراهم سازد. هم پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد بین المللی به صورت تدریجی و مرحله ای امکانپذیر است که منطقه گرایی اقتصادی آن را میسر و مقدور می سازد.

گسترش همکاری های اقتصادی با کشورهای منطقه و افزایش حجم مبادلات تجاری و

حضور فعال در نهادها و سازمان های اقتصادی منطقه ای، مشارکت فعال در تدوین قواعد و شکل دهی به روندهای اقتصادی از ضروریات منطقه گرایی اقتصادی به شمار می رود. فراتر از این، تحکیم و تقویت ساز و کارها، ساختارها و سازمان های اقتصادی موجود، به ویژه اکو، و تاسیس نهادها و سازمان های اقتصادی جدید برای هدایت و مدیریت مشترک امور اقتصادی نیز از دیگر ضرورت های منطقه گرایی است.

جمهوری اسلامی ایران در چارچوب راهبرد منطقه گرایی به معنای عام، قادر است با بهره گیری از قابلیت های اقتصاد مقیاس، دیپلماسی گروه با گروه، سیاست مقیاس، گفت و گو مذاکره بین منطقه ای، مدیریت مشترک امور سیاسی و امنیتی، قدرت نقش آفرینی و جایگاه منطقه ای و بین المللی را افزایش داده و آسان تر به برتری منطقه ای دست یابد. بنابراین، راهبرد منطقه گرایی به معنای نفی و دست کشیدن از سیاست ها و اقدامات یک جانبه و منافع ملی نیست، بلکه تکمیل و تقویت کننده آن می باشد. به گونه ای که یکی از مهمترین ضرورت ها و انگیزه های سیاست منطقه گرایی تامین منافع ملی و در اینجا، تحقق برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران می باشد. براین اساس، ضرورت های راهبرد منطقه گرایی برای تحقق برتری منطقه ای ایران را می توان به دو دسته باز یابنده و بازدارنده تقسیم و مورد بررسی قرار داد.

## ۱- ضرورت های باز یابنده

اولین دسته از ضرورت های اتخاذ راهبرد منطقه گرایی برای تحقق برتری منطقه ای ایران، معطوف به نقش این راهبرد در تامین منافع ملی از طریق بازیابی، قدرت ملی می باشد.

منطقه گرایی در اشکال و ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی با امکان پذیر ساختن موازنه برون گرا زمینه تحقق جایگاه برتر منطقه ای جمهوری اسلامی را فراهم می سازد. همانطور که توضیح داده شد، توازن سازی برون گرا تعارض و منافات با قدرت سازی و قدرت یابی ملی به صورت یک جانبه نیست، بلکه ایندو مکمل و مؤید یکدیگر هستند.

### ۱-۱- اقتصاد

ضرورت های اقتصادی ایجابی به معنای مزایا و مطلوبیت همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی برای تامین برتری منطقه ای ایران را در محورهای زیر می توان خلاصه کرد.

- ۱- دسترسی به بازارها، منابع و سرمایه گذاری منطقه ای و تقویت توسعه صادرات غیر نفتی
- ۲- فراهم ساختن زمینه لازم برای هم پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی.
- ۳- فعلیت یافتن مزیت نسبی انرژی ایران که در چهار راه مصرف و تولید انرژی قرار دارد.
- ۴- ابقای نقش پل ارتباطی بین دو منطقه فرعی آسیای شمال غربی و خلیج فارس.
- ۵- امکانپذیر شدن استفاده از اقتصاد مقیاس برای تعامل با اقتصاد جهانی و سایر مناطق.
- ۶- جلوگیری از حاشیه نشینی اقتصادی در اثر فرآیند جهانی شدن اقتصادی
- ۷- افزایش قدرت چانه زنی و ارتقاء جایگاه بین المللی و بازیگری ایران
- ۸- افزایش ضریب امنیت ملی ایران در اثر افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش گرایش به بکارگیری قدرت نظامی و زور برای حل و فصل مناقشات منطقه ای (۲۴)

#### ۲-۱- سیاسی

ضرورت های ایجابی مختلفی را نیز می توان برای منطقه گرایی سیاسی ذکر کرد که دستیابی ایران به جایگاه برتر منطقه ای را تحمیل و تسریع می کند.

الف) فراهم ساختن شرایط لازم برای همگرایی اقتصادی. چون بدون حداقلی از ارزشهای سیاسی مشترک و اجتماع شکلی و ماهوی در مورد ساختارها و نهادهای سیاسی از یک سو فقدان اختلافات و رقابتهای سیاسی ستیزشی، همگرایی اقتصادی به تبع آن برتری منطقه ای حاصل نمی شود.

ب) همگرایی سیاسی استفاده از سیاست مقیاس جهت افزایش قدرت نقش آفرینی و چانه زنی بین المللی ایران و به تبع آن ارتقاء جایگاه جهانی آن را امکان پذیر می سازد.

ج) با عنایت به نظام هرمونیکو یا تک قطبی بین المللی در چارچوب همگرایی منطقه ای امکان استفاده از دیپلماسی گروه با گروه از طریق ائتلاف سازی منطقه ای فراهم می شود.

د) در پرتوی همگرایی و منطقه ای سیاسی ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران افزایش می یابد چون در فرایند منطقه گرایی سیاسی تعارضات ایدئولوژیک کاهش می یابد.

ه) نهایتاً همگرایی و منطقه گرایی از طریق ایجاد یک وحدت سیاسی و یا حداقل ساز و کارهای مدیریت مشترک منازعات امنیتی سیاسی ضریب امنیت نظامی و دفاعی جمهوری



اسلامی نیز افزایش می دهد (۲۵)

### ۳-۱ - امنیتی - دفاعی

ضریب ها و مطلوبیت های منطقه گرایی امنیتی - دفاعی در چارچوب شکل گیری اتحاد های نظامی، مجموعه های امنیتی منطقه ای مشارکت امنیتی منطقه ای و جامع امنیتی در سطح منطقه آسیای جنوب شرقی حاکی از ضرورت ها لزوم اتحاد آن در سیاست خارجی می باشد.

شرایط نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایجاب می کند که کشور به موازات توازن سازی داخلی به موازنه سازی امنیتی - دفاعی در سطح منطقه ای نیز مبادرت ورزد. از اینرو منطقه گرایی امنیتی فراتر از پیمانهای نظامی، به چند طریق می تواند به تکوین و تثبیت موفقیت برتر منطقه ای ایران کمک نماید.

الف) افزایش توان و قدرت ملی ایران از طریق همکاریهای امنیتی .

ب) تأمین امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران در اثر کاهش تمایل به جنگ و مدیریت مشترک و دسته جمعی منازعات منطقه ای و حل و فصل ساعت آمیز آنها  
ج) کاهش تهدیدات خارجی برخاسته از محیط پیرامونی ایران در اثر شکل گیری رویه ها و ساز و کارهای غیر نظامی تأمین امنیت.

د) تسهیل برقراری اتحاد استراتژیک بین ایران و دیگر کشورهای منطقه ای جهت مقابله با تهدیدات مشترک فرا منطقه ای.

ه) جلوگیری از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید درون منطقه ای (۲۶).

### ۴-۱ - فرهنگی - ارزشی

تجانس و اشتراکات فرهنگی، تاریخی و ارزشی یکی از مهمترین پیش شرطهای منطقه گرایی در ابعاد و سطوح سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. از این رو ضرورت تهدید اهداف سیاست خارجی در چارچوب منطقه گرایی در این حوزه، بیانگر ضرورت و اهمیت منطقه گرایی فرهنگی می باشد. فراتر از این، از آنجا که یکی از اهداف چشم انداز بیست ساله، الهام بخشی در جهان اسلام می باشد، همگرایی حداقلی فرهنگی اجتناب ناپذیر است. همچنین یکی از عوامل و عناصر لازم برای منطقه گرایی شکل گیری احساس منطقه بودگی و هویت

منطقه ای است که از طریق همگرایی و هماهنگی فرهنگی و ارزشی حاصل می شود. منطقه گرایی در آسیای شمال غربی و حوزه خلیج فارس که از اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی با ایران برخوردارند نیز به چند طریق ایران را در دستیابی به موقعیت برتر منطقه ای کمک می کند.

الف) اتحاد و انسجام اسلامی حاصل از منطقه گرایی یا همگرایی فرهنگی زمینه الهام بخشی ایران در جهان اسلام را فراهم می سازد.

ب) همگرایی فرهنگی، به ویژه در حوزه های علمی، مبادلات علمی بین کشورهای منطقه را افزایش داده و از این طریق صادرات علمی ایران را نیز ارتقاء می بخشد.

ج) قدرت رقابت پذیری علمی - فرهنگی ایران در مقایسه و در برابر سایر گروهها و بلوک های فرهنگی را افزایش می دهد. همچنین گفتگوی درون و بین تمدنی نیز امکان پذیر می شود.

د) در اثر شکل گیری یک فرهنگ امنیتی مبتنی بر صلح طلبی و مدیریت دسته جمعی ضریب امنیت فرهنگی و هویتی جمهوری اسلامی افزایش می یابد.

ه) با توجه به غنای فرهنگی - تمدنی ایران و قدرت و مزیت نسبی فرهنگی آن، در اثر منطقه گرایی و همگرایی فرهنگی، زمینه اشاعه فرهنگی و نقش آفرینی امنیت کشور در سطح منطقه فراهم می گردد. به گونه ای که ایران می تواند به عنوان در هسته مرکزی و کانون منطقه گرایی فرهنگی منطقه قرار گیرد. (۲۷)

## ۲ - ضرورت های بازدارنده

اگرچه کارکرد های ایجابی منطقه گرایی در ابعاد چهار گانه پیش گفته بیانگر ضرورت اتخاذ این راهبرد می باشد، اما منطقه گرایی پیش از آن جهت بازدارندگی و محدودیت زدایی از تحقق برتری منطقه ای ایران ضرورت می یابد. چون دستیابی جمهوری اسلامی ایران به موقعیت و منزلت برتر منطقه ای متضمن پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده و عمیقی برای کشورهای منطقه می باشد. برتری منطقه ای ایران در بردارنده تغییرات ماهوی و ساختاری در سطح منطقه می باشد. چون جایگاه اول ایران در آسیای جنوب غربی اولاً به مثابه باز تعریف روابط و باز توزیع قدرت منطقه ای است. ثانیاً متضمن و مستلزم ارتقاء جایگاه و سطح بازیگری و نقش آفرینی در سطوح منطقه ای و جهانی می باشد. ثالثاً، برتری منطقه ای جمهوری اسلامی بیانگر توازن سازی جهت تامین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات

نشر راهبردی ویژه نامه سند چشم انداز - راهبرد منطقه گرایی شماره ۸۷ بهمن ۱۳۸۶

درون و برون منطقه ای است. براینکه این سه مؤلفه و عنصر راهبردی جهش جمهوری اسلامی در سلسله مراتب قدرت در منطقه و نظام بین الملل می باشد. از این رو، منطق روابط بین الملل در نظام بین الملل فاقد اقتدار مرکزی و مبتنی بر خود یاری و بی اعتمادی بازیگران منطقه ای و جهانی را به توازن سازی درون گرا و برون گرا سوق می دهد. (۲۸) الگوی موازنه سازی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی - دفاعی پیگیری و تعقیب می گردد. این توازن محدودیت زا و مقید کننده ممکن است از ترکیب واکنش درون و برون منطقه ای و به صورت متقاطع و متداخل حاصل گردد.

#### ۲-۱ - اقتصادی

توان و توسعه اقتصادی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی به شمار می رود. در برداشت و مفهوم سنتی از قدرت که آن را محدود و منحصر به نیروی نظامی می کند نیز توان اقتصادی به عنوان لازمه و پیش شرط تامین و توسعه آن لازم و ضروری است. اما امروزه براساس مفهوم بندی نوین از قدرت، توسعه و توان اقتصادی خود یک نوع مستقل از قدرت به شمار می رود. (۲۹) بگونه ای که بعضی از کشورها، مانند آلمان و ژاپن، علی رغم فقدان نیروی نظامی در اثر قدرت اقتصادی و تکنولوژیک در زمره قدرتهای بزرگ جهانی قراردارند. از این رو، دستیابی جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اقتصادی برتر، به مثابه افزایش قدرت ملی آن در نظام منطقه ای و بین المللی و بر هم خوردن موازنه قوا می شود.

بنابراین، قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای برای حفظ یا برقراری مجدد موازنه دست به توازن سازی یک و چند جانبه خواهند زد. موازنه یک جانبه یا برون گرا از طریق افزایش قدرت اقتصادی کارگزاران منطقه ای محقق می شود. توازن چند جانبه یا برون گرا به صورت شکل گیری موافقت نامه ها و همکاری های اقتصادی - تجاری تجلی و تعیین می یابد. یان الگوی رفتاری دوگانه در غالب دو محدودیت در قالب دو محدودیت باز دارنده اقتصادی در بر دارد، نخست ممکن است باعث شود تا بازیگران رقیب از برتری یابی جمهوری اسلامی جلوگیری نمایند. دوم، می تواند در چارچوب سیاست بیرون گزاری اقتصادی، موجب استثناء شدن ایران در ترتیبات و ساختارهای اقتصادی منطقه ای بدن آن گردد.

بر این اساس جهت باز داشتن واکنشهای محدودیت زا و توازن پخش منطقه ای نسبت به قدرت یابی یک جانبه، راهبرد منطقه گرایی ضرورت استراتژیک دارد. چون منطقه گرایی باعث تعدیل تخفیف منطق آنارش و الگوی رفتاری خود یاری و موازنه سازی ناشی از آن

می شود. به تبع آن روابط منطقه ای نیز از بازی با حاصل جمع جبری صفر به حاصل جمع مضاعف و تبدیل می گردد. درحقیقت، بازیگران منطقه ای در قالب منطقه گرایی به جای تلاش برای محروم و محدود سازی ایران در جهت افزایش سود مشترک و سهم خود از آن کوشش خواهند کرد.

## ۲-۲ - سیاسی - فرهنگی

برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران به مثابه تحکیم و تقویت یک نظام و نظم سیاسی - فرهنگی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است. این در حالی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس و تکامل جمهوری اسلامی ایران، در اثر سوء برداشت و بی اعتمادی منطقه ای، به ویژه حوزه خلیج فارس از ناحیه آن احساس هراس و نا امنی کردند، چون بر این تصور بودند که جمهوری اسلامی در صدد صدور انقلاب به محیط های پیرامونی و متجانس می باشد.

از اینرو از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، نوعی ایران هراسی در کشورهای منطقه پدیدار گشت که بیشتر ناشی از ماهیت نظام سیاسی و ایدئولوژی مشروعیت بخش آن بوده است. به طوری که تعارض ایدئولوژیک و تقابل فکری اسلام انقلابی سیاسی و محافظ کاری در منطقه شکل گرفت (۳۰). این امر حتی در مورد کشورهای آسیای مرکزی نیز صادق می باشد مواجهه جویی و مقابل قدرتهای فرامنطقه ای و مداخله گر در نظام منطقه ای شمال و جنوب ایران، این اسلام و ایران هراسی تشدید و تقویت می کند. واکنش بازیگران منطقه ای به صورت سیاست مهار و محدود سازی نظام ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی تبلور یافت. طبیعی است که برتری ک جانبه منطقه ای ایران می تواند تعارضات و تعابلی سیاسی - ایدئولوژیک منطقه ای را احیاء کند. نمونه نمادی از این تعارض و رقابت سیاسی - ایدئولوژیک بین ایران، ترکیه و آمریکا را می توان در آسیای مرکزی مقایسه کرد (۳۱)

بر این اساس جهت جلوگیری از واکنش سیاسی ایدئولوژیک محدودیت ساز و تعارض بازیگران منطقه ای اتخاذ و راهبرد منطقه گرایی سیاسی - فرهنگی ضرورت می یابد. همگرایی سیاسی - فرهنگی به چند طریق از سیاست توازن ساز منطقه ای علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری می کند. تحت، همکاری و همگرایی سیاسی - فرهنگی زمینه ساز درک و شناخت مشترک و تفاهم بین منطقه ای را فراهم می سازد. درک فهم مشترک نیز سوء تفاهمات و سوء برداشت های کشورهای دیگر نسبت به ایران را مرتفع و یا کاهش خواهد

داد. دوم، تعارض و تقابل ایدئولوژیک، در چارچوب منطقه‌گرایی سیاسی- فرهنگی، بین ایران و سایر کشورها تقلیل پیدا میکند و نهایتاً از بین خواهد رفت. سوم، به تبع کاهش و رفع تعارض سیاسی- ایدئولوژیک جنگ ایدئولوژیک به معنای رویارویی نظم سیاسی- اجتماعی اسلامی با نظم‌های رقیب مرتفع و منتفی می‌گردد. چهارم، منطقه‌گرایی سیاسی- فرهنگی هم چنین از امنیتی شدن هویت و ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران نیز جلو‌گیری می‌نماید.

### ۲-۳ - امنیتی دفاعی

با توجه به معنا و مفهوم موسع قدرت و امنیت ملی، برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران متضمن افزایش قدرت مای آن می‌باشد. در شرایط آنا رشیک و صنعتی خودیاری، افزایش قدرت ایران از منظر دیگران به مثا به کاهش امنیت آنان می‌باشد. از نیرو، قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نظام ایران به ترتیب امنیت اقتصادی، سیاسی- فرهنگی و نظام کشورهای پیرامون و مجاور ایران را کاهش می‌داد. بنابراین برتری یک جانبه منطقه‌ای ایران تحولی کاملاً امنیتی تلقی و تصور می‌گردد. به ویژه آنکه در وضعیت معامای امنیت تمایز قدرت تهاجمی و تدافعی غیر ممکن می‌باشد. هم چنین، ماهیت و اهمیت قدرت و امنیت نرم افزاری در روابط بین‌الملل حساسیت کشورهای دیگر به توسعه قدرت و توان غیر نظامی ایران را افزایش می‌دهد. نمونه باور این تصور رو تلقی امنیت محور، واکنش کشورهای منطقه ای به برنامه صلح امیز هسته ای جمهوری اسلامی می‌باشد.

بر این اساس، منطقه‌گرایی امنیتی مهمترین ضرورت تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی است. همکاری و همگرایی امنیتی نیز به چند صورت از امنیتی شدن برتری منطقه ای ایران و سپس واکنش توازن بخش بازیگران منطقه ای و جهانی جلو‌گیری می‌کند.

اول، از طریق اطلاع رسانی و آگاهی بخشی باعث افزایش اعتماد کشورهای منطقه ای به ایران و نیات آن می‌شود. دوم، با افزایش تعامل و تبادل بین کشوری، تفاهم متقابل بدست می‌آید که به شکل‌گیری فرهنگ امنیتی همکاری جویانه منطقه ای می‌انجامد. سوم، در چارچوب منطقه‌گرایی فراگیر امنیتی، تاسیس و تکوین اتحاد‌های امنیتی و نظامی ضد ایرانی در سطح منطقه منتفی می‌گردد. چهارم، همگرایی و همکاری امنیتی بین کشورهای منطقه مداخله قدرت‌های بزرگ به بهانه مقابله با تهدید ایران کاهش می‌یابد. پنجم، منطقه‌گرای امنیتی علاوه بر جلو‌گیری از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران، برتری ایران را نیز

غیر امنیتی می کند.

بطور خلاصه، با توجه به ویژگیها و توانائی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی ایران، نظام و کشور های منطقه ای از طریق موازنه سازی، محدودیت های رفتاری را برای آن ایجاد می کنند. این بدان معناست که برتری منطقه ای ایران به صورت یک جانبه مستلزم هزینه های زیادی است. از اینرو، جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه مدل آلمان متحد پس از جنگ سرد برتری منطقه ای خود را در چارچوب منطقه گرایی پی گیری و تأمین کند. چون جمهوری اسلامی جهت اعتماد و رفع نگرانی همسایگان و کشورهای دیگر منطقه باید عملاً نشان دهد که خواهان یک ایران منطقه ای است نه یک منطقه ایرانی، یعنی ایران قدرتمندی که توان و قدرت خود را در راه صلح و ثبات منطقه ای صرف خواهد کرد نه اینکه منابع منطقه ای را برای افزایش قدرت و منافع یک جانبه بکار بگیرد.

### الزامات منطقه گرایی

راهبرد منطقه گرایی تأمین کننده منافع ملی ایران بطور عام و برتری منطقه ای آن به طور خاص است. اما اعمال و اجرای موفق و مطلوب این استراتژی چند جانبه در سطح منطقه آسیای جنوب غربی مستلزم پیش شرطها و الزامات خاص می باشد به گونه ای که بدون فراهم شدن این پیش شرطها و وجود این الزامات، اعمال و اجرای موفقیت آمیز راهبرد منطقه گرایی مقدور نخواهد بود. حتی ممکن است نتیجه معکوس و سوءظن و بدبینی نسبت به مقاصد و نیت منطقه ای ایران را افزایش دهد. مهمترین الزامات منطقه گرایی عبارتند از: غیر نظامی کردن منطقه، غیر امنیتی کردن جمهوری اسلامی و برتری آن، اعتماد سازی، ارتباطات و مبادلات درون منطقه ای جهت شکل گیری هویت منطقه ای، مدیریت روابط با نظام بین الملل، و ایجاد ساختارها، ساز و کارها و ابزارهای چند جانبه گرایی منطقه ای.

#### ۱ - غیر نظامی بودن منطقه

اگر چه بر پایه منطق تسری در نظریات منطقه گرایی، همکاری و همگرایی در حوزه های فرهنگی، کارکردی و اقتصادی به وحدت و همگرایی سیاسی و امنیتی سرایت می کند، اما تردیدی نیست که در صورت نظامی - امنیتی بودن فضای منطقه و ستیزش بودن تعاملات درون منطقه ای، همگرایی در هیچ سطحی حاصل نمی گردد به عبارت دیگر حتی همگرایی اقتصادی و تجاری در بین کشورهای منطقه زمانی ممکن و موفق خواهد بود که صلح و ثبات

و امنیتی منطقه ای وجود داشته باشد. فراتر از این، در صورت جنگ و رقابت قدرت در چارچوب منطق زور در منطقه، همکاری و همگرایی پیشین نیز دچار عقب گرد شده و از دست خواهد رفت. از این رو، نگارنده بر این باور است که حداقل در منطقه پیرامونی ایران امنیت بر اقتصاد اولویت و ارجحیت دارد. پس برای همگرایی نخست باید امنیت و ثبات و صلح را برقرار کرد.

براین اساس نخستین الزام راهبرد منطقه گرایی ایران، تلاش برای غیر نظامی کردن منطقه آسیای جنوب غربی است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران باید یکی از کشورهای تولید و توزیع کننده امنیت مشترک منطقه ای باشد نه مصرف کننده آن. غیر نظامی کردن و امنیت سازی مشترک منطقه ای از چند جهت ضرورت دارد اول، فقدان امنیت و ستیزشی بودن تعاملات منطقه ای به مسابقه تسلیحاتی بی پایان تبدیل می شود. رقابت نظامی و تسلیحاتی نیز از طریق صرف هزینه و بودجه بسیار زیاد از تحقق توسعه و رفاه اقتصادی جلوگیری می کند. دوم، نظامی گرایی و ناامنی باعث بی اعتمادی و سوءظن کشورهای منطقه می شود که خود مانع همگرایی می باشد. چون مهمترین پیش شرط مدیریت مشترک منطقه ای، به ویژه در حوزه امنیتی، اعتماد و اطمینان شرکای منطقه ای از یک دیگر است. سوم، نظامی گری و ناامنی، منطقه را دچار چند دستگی و چند قطبیت می کند. در حالی که همگرایی مستلزم انسجام و وحدت هر چند بیشتر می باشد. چهارم، بی ثباتی و رقابت نظامی درون منطقه ای، نیروها و قدرت های مداخله گر فرا منطقه ای را بر می انگیزد تا در امور منطقه مداخله مخرب نمایند. پنجم، فضای نظامی، بی اعتماد در شرایط معمای امنیت ممکن است به جنگ خواسته و ناخواسته منجر شود که نافی منطقه گرایی و همگرایی میباشد.

## ۲ - غیر امنیتی بودن ایران

همانطور که توضیح داده شد، بعضی از کشور های منطقه در اثر سوء برداشت و تحریک قدرتهای فرا منطقه ای نیست به افزایش قدرت و برتری منطقه ای ایران احساس نگرانی و ناامنی می کنند. این نگرانی بویژه در مورد هویت و ماهیت نظامی سیاسی، ایدئولوژی سیاسی و قدرت دفاعی جمهوری اسلامی می باشد. در صورتی که این احساس تهدید از جانب ایران در منطقه وجود داشته باشد، منطقه گرایی و همگرایی همه جانبه منطقه ای امکان پذیر نخواهد بود. از اینرو، جمهوری اسلامی در دومین گام برای اجرای راهبرد منطقه گرایی باید از امنیتی شدن برتری منطقه ای خود جلوگیری کرده و در صورت امنیتی شدن در صدد

غیر امنیتی کردن آن برآیند. غیر امنیتی شدن بدین معناست که برتری منطقه ای ایران تهدید کننده امنیت و منافع سایر کشورها نبوده و در چارچوب ساز و کارها با ابزار های متعارف دیپلماتیک و مسالمت آمیز قابل مدیریت می باشد. از اینرو مدیریت آن در سطح منطقه ای نیاز به تمديدات توازن بخش نظامی و امنیتی ندارد.

### ۳ - اعتماد سازی

سومین الزام راهبرد منطقه گرایی، اعتماد سازی متقابل پیش کشورهای منطقه است. چون مهمترین رکن مدیریت مشترک امور منطقه ای، به خصوص نظم امنیتی منطقه ای، اعتماد کشورها به یکدیگر است.

اعتماد سازی فرآیندی است که برای افزایش و ارتقای ثبات در روابط نظامی و امنیتی دو یا چند کشور به کار می رود. این هدف از طریق شفافیت بیشتر، تبادل ارتباطات و اطلاعات تأمین می گردد. مفهوم کانونی در اعتماد سازی، شفافیت است، شفافیت به منظور کاهش عدم اطمینان و نگرانی های طرفهای مختلف از وضعیت نظامی همدیگر است که منجر به اعتماد آن می شود. به عبارت دیگر اعتماد سازی اقدامات و ترتیباتی است که رفتار نظامی و بحران، حمله غافلگیرانه و خشونت های کم شدت و خفیف تر از جنگ می انجامد.

بی اعتماد و عدم اطمینان کشورها در عرصه بین المللی، معلوم وضعیت حاکم بر نظام بین المللی است. بی اعتمادی کشورها نسبت به یکدیگر آنان را در شرایط شبیه معمای زندانیان فراری می دهد. که ایجاد کننده "معمای امنیتی" است. بیان معمای امنیتی سوءظن کشورها به یکدیگر و عدم آگاهی آنان از امنیت دیگران می باشد. این نگرانی و بدبینی حتی بین کشورهای دوست و متحد نیز وجود دارد. چون دوستان امروز در اثر تغییر اذهان، افکار و افراد ممکن است به دشمنان فردا تبدیل شوند. از اینرو، در نظام بین الملل اصل بر سوءظن و بی اعتمادی است مگر آن که خلاف ثابت شود و از این جا است که اعتماد سازی موضوعیت و ضرورت می یابد.

شاید نتوان به اعتماد کامل در روابط بین المللی دست یافت ولی با اتخاذ راهکارها و بکار گیری ساز و کارها و ابزارهای مختلف تدابیر اطمینان بخش رفع یا حداقل کاهش سوءظن و بدبینی کشورها نسبت به یکدیگر امکان پذیر است. این امر به ویژه برای کشورهایی که به درست یا نادرست، غیر قابل اعتماد معرفی می شوند، اهمیت و ضرورت بیشتر دارد. همانگونه که توضیح داده شد، بعضی از کشورهای منطقه ای نیست به جمهوری اسلامی



ایران بی اعتماد بوده یا اطمینان کامل ندارد. این بی‌اعتمادی معلول سوء تفاهم و عدم درک درست ناشی از فقدان اطلاعات و آگاهی آنان از ماهیت و نیت ایران می‌باشد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران از طریق گفت‌وگوی درون منطقه‌ای، مبادله اطلاعات، شفاف‌سازی اقدامات و نیت خود می‌تواند به اعتماد بیشتر کشورها دست یابد. عمل کرد ج.ا.ا در دیپلماسی هسته‌ای مبنی بر مشارکت و مساعدت سایر کشور های منطقه‌ای در برنامه هسته‌ای کشور، نمونه بارز رویه‌های اعتماد ساز به شمار می‌رود.

#### ۴- ارتباطات و مبادلات فزاینده

منطقه‌گرایی در کلیه ابعاد و اشکال مستلزم مبادلات و ارتباطات درون منطقه‌ای است. به گونه‌ای که منطقه و منطقه‌گرایی بدون ارتباطات، گردش اطلاعات و مبادلات مادی و غیر مادی قابل تصور و امکان پذیر نیست. از این رو مرزهای مناطق مختلف براساس میزان مبادله اطلاعات و حجم و گستره ارتباطات تعریف و تبیین می‌گردد. بنابراین، سطح منطقه‌گرایی و مراتب آن بر پایه میزان و حجم ارتباطات و اطلاعات درون منطقه‌ای درجه بندی می‌شود. سرانجام نیز ممکن است این فرایند به شکل‌گیری هویت منطقه‌ای و منطقه‌بودگی منجر گردد. البته منطقه‌بودگی و هویت منطقه‌ای، حداقل آنگونه که سازه‌انکاری بیان می‌دارد، صرفاً معلول ارتباطات و مبادلات مادی و غیر مادی نیست، یکی از بیش شرطهای آن می‌باشد. چون بدون ارتباطات غیر مادی بین الازدھانی، تکوین احساس و هویت منطقه‌ای غیر قابل تصور و دور از دسترس می‌باشد.

#### ۵- مدیریت روابط فرا منطقه‌ای

منطقه‌یک موجودیت و پدیده مستقل بین المللی متشکل از کشورهای مجاور و متعامل است. در حقیقت نظام بین الملل به زیر سیستم‌های فرعی منطقه‌ای تقسیم می‌شود. استقلال مناطق به معنای عدم تأثیر پذیری آنها از نظام بین الملل نیست. بلکه مناطق به عنوان اجزاء متشکله نظام بین الملل در تعامل و تأثیر و تأثر متقابل با آن قرار دارند. از این رو، سیاست‌های منطقه‌ای از یک سو از میزانی از خود مختاری و آزادی عمل برخوردار است اما در عین حال تحت تأثیر سیاست بین الملل و رویه‌ها و روند های بین المللی قرار می‌گیرند. لذا، منطقه‌گرایی و جهانی شدن یا جهان‌گرایی را نباید دو فرایند متعارض و متباین تلقی کرد. بلکه منطقه‌گرایی می‌تواند در چارچوب جهانی شدن، به تأمین منافع و اهداف مناطق

و کشورهای عضو کمک کند. در حقیقت منطقه گرایی به عنوان مرحله نخست پیوستن تدریجی کشورها به فرایند جهانی شدن می باشد.

بنابراین، یکی از الزامات منطقه گرایی موفق تنظیم و مدیریت و روابط منطقه ای فرا منطقه ای می باشد. این مناسبات شامل روابط و تعامل نظام منطقه ای و نظام جهانی به عنوان دو کلیت اجتماعی - سیاسی - و بازیگران و قدرت های بزرگ جهانی می شود. یعنی از یک طرف روند ها، رویه ها و تحولات نظام بین الملل بر تحولات و یورش های منطقه ای تأثیر می گذارد. از طرف دیگر، قطب های قدرت بزرگ بین المللی به صورت بازیگران و نیروهای مداخله گر بر روند و تحولات منطقه ای تأثیر گذاشته و به آن شکل می دهند.

-۶ ایجاد ساز و کارهای منطقه ای

سرانجام، منطقه گرایی تاسیس و تقویت ساز و کارها، ساختارها و بناهای چند جانبه جهت مدیریت مشترک امور و مسائل منطقه ای است. چون منطقه ای شدن فرایندی از تعامل اجتماعی و پی گیری یک استراتژی معینی جهت خلق یک نظام منطقه ای در یک حوزه جغرافیایی است. همچنین منطقه گرایی متضمن تدوین و استقرار قواعد و قوانین رفتاری متخصص در چارچوب ترتیبات منطقه ای می باشد. از اینرو، منطقه گرایی مستلزم توافق نامه های مکتوب یا غیر مکتوب، موافقت نامه های اجرایی، نهاد ها، ساختارها و سازمان های چند جانبه ای و مجموعه ای از رویه ها، ترتیبات، سازو کارهای منطقه ای مدیریت و پیش گیری از منازعه و مناقشه و حل و فصل مسالمت آمیز آنها است.

### نتیجه گیری

یکی از اهداف چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، دستیابی به جایگاه و منزلت برتر منطقه ای است. برای تحقق و تأمین این اهداف و آمل راهبردهای مختلفی می تواند بکار گرفت. یکی از راهبردهای ممکن منطقه گرایی به عنوان یک رویکرد چند جانبه می باشد. در این مقاله تلاش شد تا ضرورت و مطلوبیت این راهبرد و رویکرد واکاوی و تبیین گردد. استدال شد که منطقه گرایی از دو حیث ضرورت و مطلوبیت دارد. تحت ج. ۱.۱ با اتخاذ این رویکرد می تواند اهداف و منافع ملی خود و در رأس آن دست یافتن به جایگاه برتر منطقه ای تأمین نماید. چون چند جانبه گرایی مستعصن سود بیشتر برتری منطقه ای در چارچوب منطقه گرایی، با موانع و محدودیت های کارگزاری و ساختاری کمتری مواجه خواهد شد.

اما منطقه گرایی به عنوان یک راهبرد مشارکتی و چند جانبه مستلزم پیش شرط و الزامات ، ساختاری و نهادی مختلفی است. از اینرو شش الزام مهم غیر امنیتی شدن برتر منطقه ای آن، اعتماد سازی، ارتباطات و مبادلات درون منطقه ای، جهت شکل گیری هویت جمعی منطقه ای، مدیریت روابط با نظم بین الملل در دو سطح ساختاری و کارگزاری، و سرانجام، ایجاد ساختار ها، ساز و کارها و ابزارهای چند جانبه منطقه ای.

### سخن پایانی

با آن که دستیابی ایران به جایگاه برتر منطقه ای اگر چه یک هدف استراتژیک داخلی است، ولی متضمن و در بردارنده پیامد های ساختاری شگرفی در روابط و معادلات قدرت منطقه ای و حتی بین المللی می باشد. بنابراین، به همان میزان که بسیج امکانات مادی و معنوی داخلی برای تأمین آن لازم است، تمهیدات، تدابیر و ترتیبات خارجی برای مدیریت و کنترل تبعات و عواقب منطقه ای و بین المللی اهمیت و ضرورت دارد.

### یادداشت

(۱) برای نمونه اهقیای انزیونی همگرایی را یک وضعیت می داند در حالیکه ارنست هاس آن را بصورت یک فرایند تلقی می کند برای توضیح بیشتر بنگرید:

Amitai Etzioni, Political Unification, New york: Holt, Rinehart and Winston, 1965؛ Ernst B.Hoas, The uniting of Europe, Standford: Standford university press, 1958

2( Bjorn Hettne and Anderas Inotia, The New Regionalism: Implications for Global Development and International Security, Research for Action. UNU/WIDER, 1994.

(۳) این تعریف از منبع زیر اقیاس شده است:

A. Hurrel, "Explaining the resurgence of regionalism in world Politics", Review of International Studies, Vol. e1,P.331-339.

(۴) برای توضیح و مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

A. Mansfiel and H.miler "The New Wave of Regionalism", International organization, vol.53, No.3, P589-602

۵) جهت توضیح بیشتر بنگرید:

M.Schiff and Alan winter, Regional Integration and Development, Washington, DC: World Bank: Oxford university press, 2003, pp. 187-2001.

۶) برای بحث و بررسی بیشتر نگاه کنید:

Charles pentland International theory and European integration, London: Faber and Faber, 1973; Leon N. Lindberg and Stuart A. Sheingold, eds., Regional integration: Theory and Research, Cambridge, Mass: Harvard university press, 1971.

۷) برای نمونه کارهای دویچ یکی از پیش شرط‌های شکل‌گیری جوامع امنیتی کثرت‌گرا را سازگاری ارزشهای تصمیم‌گیرندگان می‌داند برای توضیح بیشتر بنگرید:

Karl W. Deutsch, et al., political community and the north atlantic Area, Princeton: Princeton university press. 1957.70

۸) جهت مطالعه و توضیح بیشتر ببینید :

Michel Hoolger, "Integration Theory" in Trevor Taylor . ed. Approaches and theory in international relations, London: London 1978

9) Ernst B. Haas, op cit. p.16

10) Lean Lindberg, The political Dynamics of European Economic Integration, Stanford: Stanford university Press, 1963. p.6

۱۱) برای نمونه بنگرید به :

Donald Puchala, of a blind men, Elephants and International Integration", journal of common market studies, vol.x, no3, march 1972.

۱۲) برای توضیح بیشتر بنگرید:

Amitai Etzioni, op. eit. P. 329.

13) Barry Buzan, people, states, and fear: An Agenda for International security studies in the post-cold war Era, Boulder: Lynne Rinner, 1992, p.190.

۱۳) برای توضیح و مطالعه بیشتر در مورد انواع اشکال نظم های منطقه ای چند جانبه بنگرید:

بوین جاب ، مسائل چند جانبه گرایی: استلزامات و پیامدها برای مدیریت منلقصه منطقه ای در دیویدای. لیک و پاتریک ام . هورگان، نظمهای منطقه ای : امنیت سازی در جهانی نوبل ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی ،

تهران: پژوهشکده مطالعات اهریدی، ۱۳۸۱، ص ص ۲۶۴-۲۳۱.

14) Fulvio attina, Regional Security partnership: The concept, model, practice, and a preliminary comparative scheme, "jeam monnet working papers in comparative and international politics, "JMWP, No. 58, jully 2005, [http:// www.Fsepo. Unict.it / Regsec jmwp58, pdf](http://www.Fsepo.Unict.it/Regsecjmwp58.pdf), p.4

15) Ibid, P.5

۱۶) برای توضیح بیشتر در مورد ویژگی ها پیش شرط های مدل مشارکت امنیتی منطقه ای بنگرید:

Faivio Attina, The bulding of regional security Partnership and the security culture divide in the mediterean region, in Emanuel Alder and Beverly Crawford, eds., The convergence of civilization? Constructing a mediterean Region, Totonto: University of Toronto press, 2005

۱۷) جهت توضیح بیشتر بنگرید: karl Deutsch, op. cit.plv.

۱۸) دیویدای لیم و پاتریک ام . مورکان منطقه گرایی نوین در مسائل امنیتی در دیویدای . لیک و پاتریک ام . مورکان پیشین ص ۲۷.

۱۹) جهت توضیح و مطالعه بیشتر در مورد انواع و سطوح منطقه گرای نگاه کنید:

Kaisa lahteenmaki and jyrki kakonen, "Regionalization and its impact on the theory of international relations, in Globalism and the new regionalism, 1991, pp.214-215

۲۰) سید جلال دهقانی فیروزآبادی الزامات سیاست خارجه توسعه ملی در چشم انداز

بیست ساله ایران رهیافت های سیاسی و بین المللی شماره ۵ پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ص ۱۵۱-۱۵۲

(۲۱) روح ... رضائی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را تشکیل دهنده آسیای شمال غربی می داند. با توجه به مجاورت ایران، افغانستان ترکیه با این منطقه و عضویت همگی آنان در اکر، می توان مجموعه این کشورها را با این عنوان نامید.

(۲۲) جهت مطالعه و توضیح بیشتر در مورد نقش جایگاه منطقه ای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و قابلیت اتصال این منطقه به حوزه خلیج فارس بنگرید:

سید جلال دهقانی فیروزآبادی گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه ایران سال اول، شماره دوم زمستان ۱۳۸۵

(۲۳) سید جلال دهقانی فیروزآبادی الزامات سیاست خارجی توسعه ملی، پیشین ص ص ۱۵۳-۱۵۴

(۲۴) جهت توضیح بیشتر در مورد کارکردهای همگرایی اقتصادی در تامین صلح و ثبات منطقه ای و بین المللی نگاه کنید.

Richard Rescance, *The risk of trading state*, new york: basic books, 1986, Robert o.kechane, "International liberalism reconsidered", in John Dunn, *The economic limits of modern politics*, Cambridge: Cambridge university press, 1990.

(۲۵) برای مطالعه بیشتر در مورد کارکردهای امنیت ساز همگرایی سیاسی بنگرید:

Richard Baldwin, "the causes of regionalism", *The world economy* vol.20, no.7 2001, pp.865-888

(۲۶) جهت بحث و بررسی بیشتر همگرایی یا منطقه گرایی امنیتی و پیامدهای صلح آمیز آن ببینید:

Emanuel adler and Michael Barnett, eds. *Security communities*, Cambridge: Cambridge university press, ۱۹۹۸.

(۲۷) برای توضیح بیشتر در مورد سیاست منطقه گرایی فرهنگی ایران برای نمونه در آسیای مرکزی و قفقاز نگاه کنید:

Edmund Herzing, "Regionalism, iran and central Asia", *International Affairs*, Vol.۸۰, No.۳, ۲۰۰۴

۲۸) جهت توضیح بیشتر در مورد موانع و محدودیت های منطقه ای برای برتری منطقه ای ایران نگاه کنید :

سید جلال دهقانی فیروزآبادی موانع ساختاری برتری منطقه جمهوری اسلامی ایران دانشنامه حقوق و سیاست سال اول ، شماره ۲ ، بهار ۱۳۸۴ ، ص ص ۶۲-۳۷ .

۲۹) برای توضیح بیشتر در این مورد بنگرید:

Charles kindelberger, power and money: The politics of International economics and the economics of international politics, new york: basic Book, 1970

۳۰) برای مطالعه بیشتر نگاه کنید : سید جلال دهقانی فیروز آبادی پیشین .

. Herzig, op. cit

۳۱) جهت توضیح بیشتر بنگرید:

۳۲) برای توضیح بیشتر در مورد تاثیر گذاری ساختار آثار شیک نظام بن اصل بر الگوی رفتار کشورها بنگرید:

Kenneth waltz, theory of international politics, reading mass: Adison wester, ۱۹۷۹.

۳۳) جهت توضیح بیشتر در مورد عمل و انگیزه های اتحادهای نظامی در قالب موازنه سازی برون گرا نگاه کنید:

Stephen walt, "testing theories of alliance formation"

۳۴) برای نقد و بررسی به این دیدگاه نگاه کنید.

K.Babieri, the liberal Illusion; Does trade promotr prace? Michigan: university of michigan press, ۲۰۰۲

۳۵) جهت مطالعه بیشتر در مورد امنیتی و غیر امنیتی کردن بنگرید:

Ole warer, securitization and desecuritization, working paper, no.۵, copenhagen: center for peace and conflict research, ۱۹۹۳

۳۶) جهت مطالعه بیشتر در مورد اعتماد سازی در روابط بین الملل ببینید:

John holesti" confidence building measures: A conceptual frame- $\square$  work", Survial, ۲۵, jan. feb. ۱۹۸۳

۳۷) جهت توضیح بیشتر بنگرید:

سید جلال دهقانی فیروزآبادی الزامات سیاست خارجی ، پیشین ، ص ص ۱۴۶-۱۴۹

(۳۸) برای توضیح بیشتر نگاه کنید:

Zeev maoz Emily landau tamar miz, Building regional security in the middle east: International regional and domestic influence, London: frank cass, ۲۰۰۴

(۳۹) جهت مطالعه و توضیح بیشتر نگاه کنید :

دیویدای . لیک پاتریک ام مورکان .

(۴۰) برای توضیح بیشتر بنگرید: Fulvia Attina, op. cit.p.6



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی